اتیکت

مَنِ واقعی در فضای مجازی

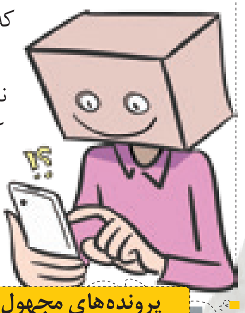

آدم بعضی وقت‌ها دوست دارد چیزی که نیست به نظر برسد یا خودش را صاحب چیزهایی که در دنیای واقعی ندارد، تصور کند. گاهی حتی دلش می‌خواهد به‌جای کس دیگری باشد که مردم بیشتر می‌شناسندش. از آن‌جایی که فضای مجازی به آدم فرصت می‌دهد که آن‌طور که دوست دارد خودش را معرفی کند، ممکن است ببینید که دختری در شبکه‌های اجتماعی خودش را پسر جا می‌زند یا پسری برای عضویت در یک گروه خودش را دختر معرفی می‌کند. ممکن است بگویید: «حالا دو دقیقه می‌خوایم خوش باشیم و شوخی بکنیم، چه ایرادی داره؟». پاسخ‌های متفاوتی برای این سوال وجود دارد ولی همه پاسخ‌ها همیشه به یک نتیجه مشترک ختم می‌شود که احتمالا یا نمی‌بینیمش یا دل‌مان نمی‌خواهد به آن توجه کنیم؛ ما با گفتن دروغ‌های ظاهرا بی‌ضرری درباره جنسیت، سن و شخصیت‌مان یک چرخه دروغ‌گویی در فضای مجازی راه می‌اندازیم که هم باعث بی‌اعتمادی آدم‌ها به هم می‌شود؛ هم تصویری که از خودمان به دیگران نشان می‌دهیم، کسی است که نمی‌شود برای یک ارتباط سالم رویش حساب کرد و همیشه در حال کلک زدن است. هویت در فضای مجازی خیلی مهم است. چه عکسی از خودتان به دیگران نشان می‌دهید یعنی خودتان را چطور به کسانی که نمی‌شناسندتان، معرفی می‌کنید؛ من یک گربه هستم (وقتی عکس یک گربه را روی پروفایل می‌گذارید). من کسی هستم که بیشتر از نام کاملم، آذرماهی بودنم مهم است. من همانی‌ام که از سنش خجالت می‌کشد و خودش را بزرگ‌تر یا کوچک‌تر جا می‌زند. هویت همان قدر که در واقعیت مهم است، در فضای مجازی هم اهمیت پیدا می‌کند. شما دوست دارید بدانید با چه کسی چت می‌کنید؟ او کیست؟ نام و نشانش چیست و عکس کس دیگری را به‌جای خودش نشان می‌دهد یا خود واقعی‌اش است؟ همه این‌ها از اتیکت‌های حضور در فضای مجازی است.

رفقا سلام!

وزیر آموزش و پرورش اعلام کرده که حضور در مدرسه اجباری نیست. کلاس‌های تلویزیونی هم راه افتاده و ظهر تا بعد از ظهر مخصوص شماست. براموِن بگید اوضاع در مدرسه شما چطوره؟ حضور، اجباریه یا اختیاری؟ ترجیح خودتون چیه؟ همکاران روان‌شناس جوانه، این‌روزها کنارتون هستن و می‌تونید سوال‌ها و دغدغه‌ها و نگرانی‌هاتونو از طریق شماره‌های زیر به دست‌شون برسونید.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۰۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰

گالری

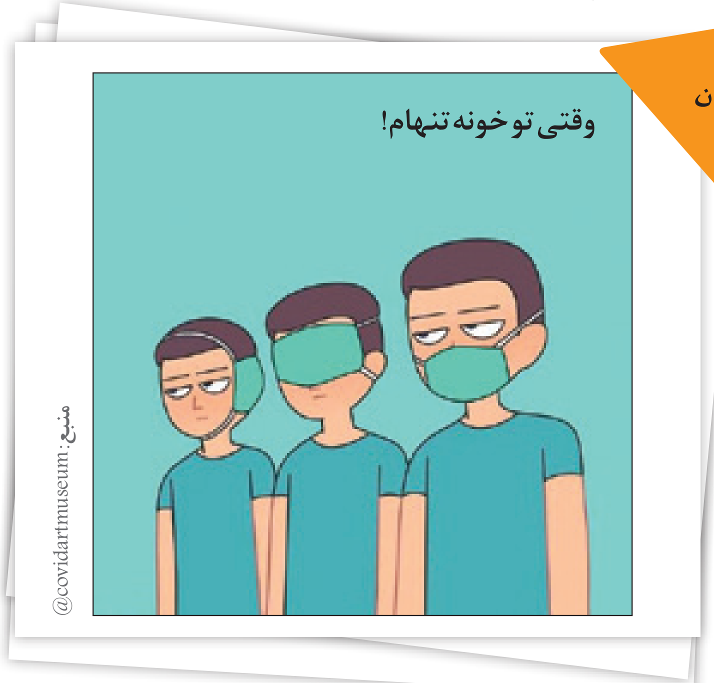
وقتی تو خونه تنهام!

منبع: @covidartmuseum

پرونده‌های مجهول

چهارشنبه‌ها بخوانید

شکارچیان گنج از «چاه پول» دست نمی‌کشند؛ حتی به قیمت جان‌شان!

ماجرای گنج پنهان در دل جزیره‌ای در کانادا که سال‌هاست خیلی‌ها برای پیدا کردنش پول و سلامتی‌شان را از دست می‌دهند

فاطمه قاسمی | روزنامه نگار

دزدان دریایی، گنج‌های گم‌شده و تلاش برای کشف آن‌ها از موضوعات مورد علاقه مردم در همه زمان‌هاست؛ مثل قصه «چاه پول» که از ۲۰۰ سال پیش تا به حال همچنان جذاب است و خیلی‌ها را می‌فریبد. آن‌زمان شایعه می‌شود که دزدان دریایی سال‌ها پیش در جزیره «بلوط» کانادا، گنجینه‌ای دفن کرده‌اند. چاه محل دفن این گنجینه به «چاه پول» مشهور می‌شود، چندین نفر حین یافتنش جان‌شان را از دست می‌دهند و عده‌ای با هزینه‌ای که برای گنج‌یابی می‌کنند، همه دار و ندارشان را می‌بازند. با ما باشید تا درباره این ماجرا بیشتر بدانیم.

جرقه گنج‌یابی از شیطنت یک نوجوان شروع می‌شود

سال ۱۹۷۵ یک نوجوان کنجکاو به نام «دانیل مک گینیس» موقع گشت‌وگذار در جزیره چشمش به فرورفتگی عمیقی در سطح زمین می‌افتد. هیجان‌زده می‌شود و با دوستانش محل را می‌کنند تا به گنج پنهان احتمالی برسند. هرچه پیش می‌روند، نشانه‌هایی می‌بینند که به گنج‌یابی امیدوارترشان می‌کند. بعد از مدتی کندن زمین به سنگ‌های مسطحی می‌رسند و در عمقی بیشتر لایه‌های چوب، پوست نارگیل، زغال‌سنگ و نشانه‌های دیگری پیدا می‌کنند و مطمئن می‌شوند این چاه همان چاه پول معروف است. از این به بعد برای گودبرداری بیشتر، لازم بود از شرکت ثروتمندی به نام «آنسلو» کمک بگیرند تا با نیروهای بیشتر کار را یکسره کنند. در عمق ۲۴ متری به تخته‌سنگی با علایم رمزی و نامفهوم می‌رسند و با این تصور که گنج است، آن را به سطح زمین منتقل می‌کنند. با برداشتن سنگ، چاه به‌تدریج پر از آب می‌شود و از آن به بعد همین جریان شدید آب باعث می‌شود تا به امروز کسی به اعماق چاه دست نیابد. پیش از این حادثه در سال ۱۹۶۵ محققی در میان کندوکاوهایش یک قیچی ۳۰۰ ساله پیدا می‌کند اما نمی‌تواند به ته چاه برسد. او چندسال بعد دوربینی به اعماق چاه می‌فرستد و تصاویری از جسد انسان و چندین صندوقچه قدیمی ثبت می‌کند البته این تصاویر هرگز جایی منتشر نمی‌شوند. در سال‌های بعد چندین غواص روانه چاه می‌شوند اما جریان آب مانع ادامه کارشان می‌شود. آن‌ها سعی می‌کنند با حفر چاه موازی در کنار این چاه به گنج برسند اما این چاه‌ها هم بعد از رسیدن به عمق پر از آب می‌شوند. درنهایت ماجراجوها به این نتیجه می‌رسند که این «تله آبی» را دزدان دریایی کار گذاشته‌اند تا دست کسی جز خودشان به گنج نرسد!

جزیره بلوط و همه رازهایش

چاه در سال ۱۹۷۱ فروریخت و عملیات کندوکاو تا مدتی متوقف شد اما در دهه ۱۹۹۰ این گمان که احتمالا هنوز هم در این چاه گنجینه‌ای باشد همچنان افراد معروف زیادی را برای ماجراجویی به جزیره می‌کشاند. در سال ۱۹۹۵ موسسه زمین‌شناسی «وودز هول» پس از بازدید از چاه به این نتیجه رسید که عوامل طبیعی باعث لایه‌لایه شدن سنگ‌ها و چوب‌های مختلف در آن شده است و ظاهر عجیبش ربطی به گنجینه بودن آن ندارد. نظریات مختلفی در این سال‌ها ارائه شده اما یکی از آن‌ها که بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، می‌گوید همه ماجرا ساخته‌وپرداخته ذهن خلاق اهالی منطقه است برای جذب هرچه بیشتر مردم به جزیره متروکه‌شان و رونق کسب‌وکار اهالی. طبق قانون کانادا افراد برای جست‌وجوی گنج هیچ محدودیتی ندارند اما اگر چیزی پیدا کردند ۱۰ درصد آن متعلق به دولت کاناداست. شاید دولت کانادا هم از خالی بودن چاه اطمینان دارد و این محل چیزی نیست جز یک جاذبه گردشگری!

منابع: readersdiges, livescience

بالتازار

درخشان‌ترین ستاره آسمان کدام است؟

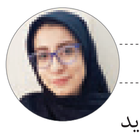

مریم ملی | روزنامه نگار

این شب‌ها اگر به آسمان نگاه کنید، یک ستاره پرنور در آسمان خواهید دید که توجه‌تان را به خودش جلب می‌کند و احتمالا اگر کسی از شما بپرسد پرنورترین ستاره آسمان کدام است، همان را با دست‌تان نشان می‌دهید. حتما جا می‌خورید اگر بدانید این جسم آسمانیِ به‌ظاهر ستاره، سیاره غول‌پیکر منظومه شمسی است؛ بله دقیقا همان مشتری خودمان. سیارات بزرگی مثل مشتری و زحل و سیارات نزدیک به زمین مثل زهره و مریخ به‌دلیل بازتاب نور خورشید در آسمان شب شبیه ستاره دیده می‌شوند اما می‌دانیم که سیاره هستند. حالا برویم سراغ ستاره‌ها، شما فکر می‌کنید درخشان‌ترین ستاره آسمان کدام است؟ «شباهنگ»، پرنورترین ستاره‌ای است که توی آسمان دیده می‌شود. این ستاره حدود ۹ سال نوری از زمین فاصله دارد یعنی نوری که الان از آن به ما می‌رسد، ۹ سال توی راه بوده است. درخشندگی این ستاره حتی از خورشید ما هم بیشتر است ولی اگر گفتید چرا خیلی کم‌نورتر از خورشید دیده می‌شود؟ آفرین! چون فاصله‌اش از زمین در مقایسه با فاصله خورشید از ما خیلی خیلی بیشتر است. پس چیزی که باعث می‌شود ستاره‌ها در آسمان شب نورانی‌تر به‌نظر برسند تنها به میزان نورشان بستگی ندارد بلکه به میزان فاصله‌شان از زمین هم ربط پیدا می‌کند. شباهنگ، در صورت فلکیِ «سگ بزرگ» قرار دارد و نام‌های دیگرش «شعرای یمانی» و «سیریوس» است که هر دو معنای داغ و درخشان می‌دهند. اگر شب به این ستاره نگاه کنید آن را به رنگ سفید می‌بینید و با مقایسه‌اش با دیگر ستاره‌ها (البته به‌جز سیاره‌هایی که با چشم ما شبیه ستاره دیده می‌شوند) خواهید فهمید که پرنورتر از بقیه ستاره‌های آسمان است.

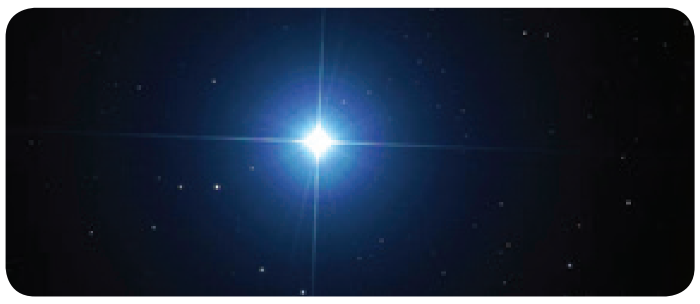

عکس از: forbes.com

خودت بساز

گلدان ملوس من

مهسا فارسی | روزنامه نگار

این هفته می‌خواهم شما را با یکی از شگفت‌انگیزترین تفریحات دنیا آشنا کنم؛ رنگ‌آمیزی شیشه‌های خالی برای ساختن گلدان! پیشنهاد من به شما این است که از تصویری که برای‌تان آماده کرده‌ام، الهام بگیرید؛ چند تایی از شیشه‌های خالی را با این ایده رنگ بزنید و برگ‌های گیاه «پتوس» یا «دیفن» را (به شکل اصولی) جدا کنید و بگذارید داخل این شیشه‌های پر از آب برای قلمه زدن. آن‌وقت است که از دیدن منظره تماشایی کارتان سیر نخواهید شد.

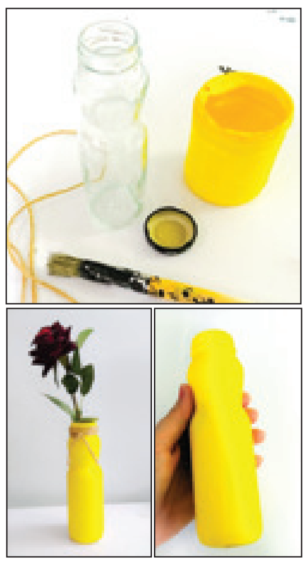

همه آن‌چه نیاز دارید: شیشه آب‌میوه یا نوشابه، رنگ اکریلیک، قلم‌موی نرم و نخ کنفی

کافی است شیشه خالی را بردارید و بشویید. کمی از رنگ موردعلاقه‌تان را با آب رقیق کنید تا موقع رنگ‌آمیزی رد قلم‌مو روی شیشه باقی نماند. اگر دیدید با یک بار رنگ زدن، قسمت‌های خالی روی شیشه باقی مانده‌است، بگذارید خشک شود و دوباره یک دست دیگر رنگ بزنید. برای این کار می‌توانید از اسپری رنگ هم استفاده کنید که بهتر و یکدست‌تر روی کار پخش می‌شود اما باید دقت کنید که فضایی را برایش درنظر بگیرید تا اطراف اتاق را کثیف نکند. کار که تمام شد مقداری از نخ کنفی را دور گلوی شیشه بتابانید و گره بزنید تا زیباتر شود. این هم از گلدان خاص و ملوس شما! چطور بود؟

آثار شما

زمین از ما دلخور است

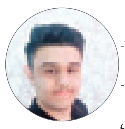

کیان یعقوب‌نژاد | ۱۵ ساله

آوای طنین‌انداز جوی‌های گل‌آلود، نفیر ماسک‌ها و دستکش‌های پلاستیکی بر تن خاک آلود زمین؛ باران‌های خشک، آفتاب‌های سوزان؛ آسمان زیبای جسته گریخته، ستاره‌های خاموش و ماه دلتنگ از پس برج‌های گردنکش. درختانی که اعدام می‌شوند. زباله‌هایی که تکثیر می‌شوند و جنگل‌هایی که تبدیل به دشت می‌شوند، همه نشانی است از ظلم بیش از پیش آدمی بر طبیعت. باغچه‌های بی‌روح حافظه خاطرات شهر خواهند بود. شکستگی‌های پیاده‌روها، نقش دوران قدیم را به یاد می‌آورند که روی زمین هنوز جایی برای قدم‌زدن وجود داشت. این همه پلاستیک که دور ریخته می‌شوند، آیینه‌های تاریک زمین هستند که چهره غم‌زده فردای‌مان را می‌توانیم در آن‌ها ببینیم. این روزها کرونا قاتل پنهان آرزوهای‌مان شده‌است اما خودما با رویاهای رنگی آینده‌مان چه کرده‌ایم؟ آتش سرخ، کابوس سبز درختان جنگل شده و دودهای زایا رنگین کمان رنگارنگ آسمان را خدشه‌دار کرده‌است. خودخواهی و تنبلی ما رنگ لذت را از آبی دریا برده‌است. زنگ زباله، صدای زلال آب جوی‌ها را کشته است. حالا تنها ناله‌ای از عمق ویرانی به گوش می‌رسد و این چنین است که زمین از ما دلخور است.

شما گفتین

- سسسسسسلللاااامم جووووونههههه. خیلی دووووسسسستتتت دااااارررررممم.

جوانه: **خبر نداری ما چقدر شمارو دوست داریم!**

- در پاسخ به نوجوانی که در صفحه جوانه صحبت کرده‌بود: آزاده جان حتی ۱۸ ساله‌ها هم در نظر بعضی پدرومادرها بچه‌ان! کاش والدین یاد بگیرند رشد عقلی در بعضی نوجوان‌ها آن‌قدر کامل شده که توی تصمیم‌های روزمره‌شون مدام دخالت نکنند.

جوانه: **ضمن احترام به‌نظر شما دوست عزیزم، ما معتقدیم نوجوون‌ها و پدرومادرها هر دو در ساختن این اعتماد متقابل سهم دارن.**

- عکس منتشرشده از «مانتیس» که اهل آفریقاست و در ستون گالری صفحه نوجوان چاپ شده، واقعا خفن بود.

جوانه: **دیدی چه خوش تیپه؟**

دیدنی

۲ تا چشم تیزبین

معرفی می‌کنم؛ «شان چارماتز» انیماتور معروف و کارگردان باحال. شان، یک جفت چشم دقیق و تیزبین دارد و می‌تواند هرچیزی را به یک صحنه بامزه تبدیل کند. خودتان ببینید.

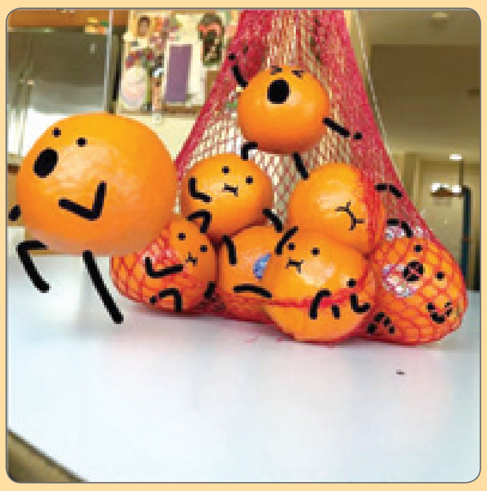

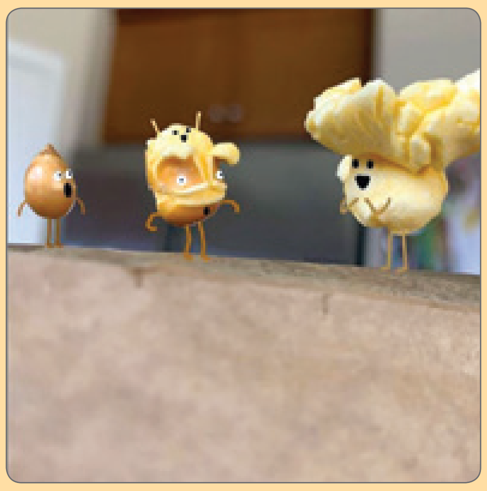

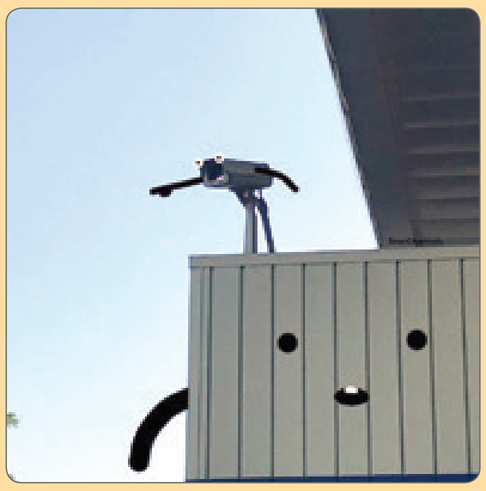

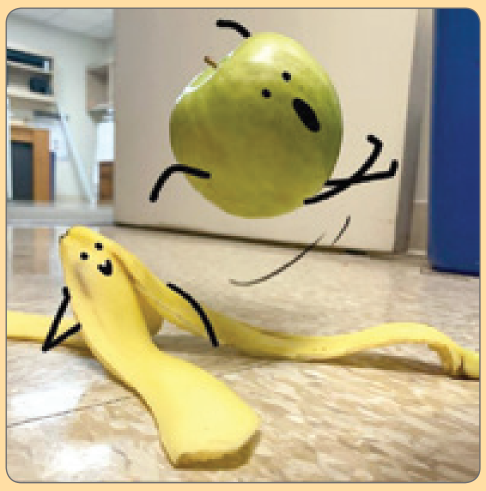

منبع: صفحه اینستاگرام هنرمند